

An Analysis of the Role of Local Management in Strengthening the Islamic Republic of Iran, With an Emphasis on the Role of City Councils

Mir Ebrahim Seddiq¹, Reza Shirzadi¹, Asadollah Rashedi^{2*}

1. Assistant Professor, Faculty of Political Science, Islamic Azad University, Karaj Branch, Karaj, Iran

2. PhD Student in Political Science, Islamic Azad University, Karaj Branch, Karaj Iran

(Received: April 5, 2021; Accepted: June 8, 2021)

Abstract

Up until now, Islamic Republic of Iran – rising from among people and adopting a religious and divine discourse – has provided a unique model of the administration of people's affairs in various dimensions through the creation and enhancement of institutions and structures appropriate to its political system. Accordingly, the consideration of ideals in the form of structures, institutions, and approaches is an issue that has a unique role in strengthening the internal structure of this political system. In this article, using the descriptive-analytical method and collecting data through document analysis, library research, and survey methods, city council – as an institution rising from the public vote and a phenomenon similar to local parliament – are defined as the dependent variable. Moreover, in line with the identification of the dimensions and history of these councils, the position of council in Islamic thought is discussed. According to the obtained results, it can be maintained that councils' importance has four important and effective aspects, namely participation in, distribution of, penetration in, and formation of the identity of power and internal structure strength. To this end, they play roles in four directions, namely strengthening the internal structure cohesion through providing identity to individuals' roles, enhancing the influence of the Islamic political system in various layers of people and society, fulfilling the maximum participation of people and the role of people in governance, and the just distribution of resources based on reality and the local and national desires. It was found that councils have had greater effectiveness in the fulfillment of maximum participation and involvement of people in governance compared to other directions.

Keywords

Islamic republic of Iran, the strength of the internal structure of the government, councils, participation.

* Corresponding Author, Email: e.seddigh@gmail.com

تحلیلی بر نقش مدیریت محلی با تأکید بر شوراهای در استحکام نظام جمهوری اسلامی ایران*

میرابراهیم صدیق^۱، رضا شیرزادی^۱، اسدالله راشدی^{۲*}

۱. استادیار گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران
۲. دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، البرز، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۸)

چکیده

جمهوری اسلامی ایران، برخاسته از متن مردم و مبتنی بر گفتمان دینی و الهی، تا کنون توانسته است با ایجاد و تقویت نهادها و ساختارهای متناسب با نظام سیاسی خویش الگویی منحصر به فرد به منظور اداره امور مردم در ابعاد مختلف ارائه کند. بر این اساس توجه به آرمانها در قالب ساختارها و نهادها و رویکردهای نقشی بی‌بدیل در استحکام ساخت درونی نظام دارد. در این مقاله، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات از طریق مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و پیمایشی، شوراهای به مثابه یک نهاد برآمده از رأی مردم و الگوی پارلمان محلی به عنوان متغیر مستقل و «استحکام ساخت درونی» به عنوان متغیر وابسته تعریف و ضمن شناسایی ابعاد و پیشینه شوراهای جایگاه شورا در اندیشه اسلامی تبیین شده است. بر اساس نتایج حاصله می‌توان گفت شوراهای از طریق چهار بعد مهم و تأثیرگذار- یعنی مشارکت، توزیع، نفوذ، هویت- در قدرت و استحکام ساخت درونی با ایفای نقش بی‌بدیل در چهار محور تحکیم و تقویت انسجام ساخت درونی از طریق هویت‌بخشی به نقش افراد، تقویت نفوذ نظام اسلامی در سطوح مختلف مردم و جامعه، تحقق مشارکت حداکثری و نقش مردم در حاکمیت، و توزیع عادلانه منابع بر اساس داشته و خواسته‌های بومی و ملی تأثیرگذارند و شوراهای از میان این محورها بر تحقق مشارکت حداکثری و نقش مردم در حاکمیت نسبت به سایر محورها اثرگذاری بیشتری داشته‌اند.

کلیدواژگان

استحکام ساخت درونی نظام، جمهوری اسلامی ایران، شوراهای مشارکت.

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده مسئول، با عنوان «نقش مدیریت محلی با تأکید بر شوراهای اسلامی در استحکام نظام جمهوری اسلامی ایران» است.

** رایانامه نویسنده مسئول: e.seddigh@gmail.com

مقدمه

نظام مقدس جمهوری اسلامی، که از متن مردم و با خواست و اراده مردم در بهمن ماه ۱۳۵۷ شکل گرفت، مدل و نمونه واقعی یک نظام مردم‌سالار است که بر اساس مبانی مستحکم دینی برخاسته از وحی توانسته است با به چالش کشیدن نظام‌ها و مکاتب مادی و الحادی (کمونیسم، لیبرالیسم، و ...) در چندصد سال اخیر الگویی منحصر به فرد با قابلیت تأمین سعادت دنیوی و اخروی متکی به قدرت لایزال الهی عرضه کند. در زمینه مردم‌سالار بودن این نظام، امام اعلام می‌کند جمهوری اسلامی باید بر آرای عمومی اتکا داشته باشد و آن را «حکومت جمهوری، متکی به آرای عمومی و اسلامی و متکی به قانون اسلام» تعریف می‌کند (کرامت و علی‌پور ۱۳۹۹: ۲۲۵). تجربه موفق جمهوری اسلامی ایران از شکل‌گیری این نظام و ارتقای جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی در عرصه‌های مختلف داخلی و خارجی حاکی از اقتدار و قدرت درونی نظام در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، دفاعی است که همین موضوع یکی از عوامل دشمنی بدخواهان داخلی و خارجی (استکبار جهانی) است و به نحوی منافع منطقه‌ای و بین‌المللی آن‌ها را به چالش و مخاطره انداخته است. در این میان می‌توان به ضرورت توجه به استحکام ساخت درونی نظام در بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) اشاره کرد که می‌فرماید: «آنچه برای نظام جمهوری اسلامی حائز اهمیت است استحکام ساخت درونی نظام جمهوری اسلامی است، استحکام درونی ملت ایران است؛ همان چیزی که از روز اول تا امروز توانسته است این کشور را حفظ کند؛ اتحاد ملی، توجه به آرمان‌های والای نظام جمهوری اسلامی، توجه به عزت ملی.» (امام خامنه‌ای ۱۳۹۳).

در نظام جمهوری اسلامی، که مبتنی بر نظام امامت و امت است، بی‌تردید جایگاه مردم از کرامتی ذاتی برخوردار است که در قالب ساختارها و نهادهای رسمی و غیررسمی به مثابه یکی از اصلی‌ترین سرمایه‌های نظام و حکومت به آن نگریسته می‌شود. به عبارت دیگر تقویت جایگاه مردم در قالب نهادها و ساختارهای رسمی و همچنین سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO)^۱ به‌ویژه در اداره امور مردم در سطح کشور و منطقه و محله‌ها به دست خود مردم و استفاده از مشارکت

1. Non-government Organization

همه‌جانبه در این زمینه در قالب سازوکار شورایی یکی از ظرفیت‌هایی است که در نظام جمهوری اسلامی بی‌تردید در استحکام ساخت درونی مؤثر بوده و خواهد بود. در اصول مختلف قانون اساسی نیز بر اداره شورایی کشور در سطوح مختلف کشوری، استانی، شهری، و روستایی تأکید ویژه شده است؛ طوری که یک فصل از قانون اساسی به شوراهای اختصاص یافته است. با توجه به اهمیت و نقش مردم در نظام جمهوری اسلامی، در این نوشتار به بررسی رابطه شوراهای که تبلور عینی حضور و مشارکت مردمی هستند و استحکام ساخت درونی نظام پرداخته می‌شود. از آنجا که تقویت نقش این عنصر در نظام جمهوری اسلامی مسئله‌ای مهم است، توسعه و تقویت ساخت درونی نظام را از طریق آن می‌توان پیگیری کرد و این امر در گرو توجه به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های این نهاد جهت تقویت هر چه بیشتر در حفظ و استحکام نظام جمهوری اسلامی است. به عبارت دیگر، چنان که مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) بر نیروهای درون‌زا و عوامل درونی تأکید ویژه می‌کند، پژوهشگران در این پژوهش بر آن بودند تا شوراهای را در مقام یک نیروی درون‌زا بررسی و نقش آن‌ها را در استحکام ساخت درونی نظام تحلیل کنند. پس، این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این مسئله است که نقش شوراهای در استحکام ساخت درونی نظام جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟

تبیین مفاهیم و مبانی نظری

پیشینه و مفهوم شوراهای

پیشینه قانون شوراهای یا به تعبیر آغازین خود انجمن‌های بلدی به تشکیل نخستین نهاد قانون‌گذاری (مجلس شورای ملی) می‌رسد. به عبارت دیگر یکی از نخستین قوانین مصوب مجلس شورای ملی قانون بلدی است که در سال ۱۳۲۵ قمری برابر با ۱۲۸۶ خورشیدی به تصویب رسید و به این ترتیب یکی از آرمان‌های بزرگ انقلاب مشروطه به ثمر نشست. این نهاد در طول حکومت پهلوی اوج و فرودهایی را پشت سر گذاشت تا اینکه با روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی ایران امام خمینی^(ره) در فرمانی خطاب به شورای انقلاب در تاریخ ۱۳۵۸/۰۲/۰۹ فرمود در جهت استقرار حکومت مردمی در ایران و حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش، که از ضرورت‌های نظام جمهوری اسلامی است، لازم می‌دانم بی‌درنگ به تهیه آیین‌نامه اجرایی شوراهای برای اداره امور

محل شهر و روستا در سراسر ایران اقدام و پس از تصویب به دولت ابلاغ کنید تا دولت بلافاصله به مرحله اجرا درآورد. نیز طی بیاناتی در تاریخ ۱۳۵۸/۰۲/۰۷ فرمود شوراهای باید در همه جا باشند و هر جایی خودش منطقه خودش را اداره کند. با تشکیل اولین مجلس خبرگان برای تدوین قانون اساسی، اصل ششم و هفتم و اصول یکصد تا یکصد و ششم قانون اساسی موضوع شوراهای اسلامی به عنوان یکی از ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح و تثبیت شد.

شوراهای سازمان‌های مستقل و جدا از وزارتخانه‌ها هستند که آن‌ها را در اصطلاح «سازمان‌های محلی یا شوراهای محلی» می‌نامند که امور و خدمات محلی بر اساس عدم تمرکز اداری به دست ساکنان آن نقاط سپرده می‌شود (طباطبایی مؤتمنی ۱۳۸۱: ۱۰۰).

شورا در منابع اسلامی

اصل شورا، که از ریشه‌های قرآنی و روایی عمیقی در معارف اسلامی برخوردار است، از بنیان‌های اجتماعی اسلام به شمار می‌آید. اهمیت این مبحث از آنجا ناشی می‌شود که در اسلام نه تنها در امور روزمره بلکه در مهم‌ترین امر جامعه اسلامی، یعنی حکومت‌داری، به این اصل مهم ارجاع داده شده است. با این حال، گرچه درباره توجه به اصل شورا در سنت و سیره پیامبر^(ص) و بزرگان دین، اعم از سنی و شیعه، توصیه اکید شده، این مهم از نیمه دوم قرن بیستم مورد توجه اندیشمندان مسلمان قرار گرفت؛ با این هدف که در سازگاری اسلام با دموکراسی این اصل (شورا) می‌تواند نقاط مبهم را روشن کند و به این امر مدد رساند. بسیاری از اندیشمندان مسلمان بر این نظرند که از دیدگاه نصوص اسلامی، از جمله قرآن، شورا نه یک امر مستحب بلکه روشی واجب تلقی می‌شود که نظام جمعی و سیاسی با خاستگاه دینی را سامان می‌دهد. از این حیث، اصطلاح «مردم‌سالاری دینی» یا «دموکراسی دینی» اصلی محکم برای قوام و گسترش خود می‌باید که می‌توان آن را با «دموکراسی مشورتی» در غرب مقایسه کرد. با این حال، بین دموکراسی مشورتی پدیدآمده در غرب و مردم‌سالاری دینی شورایی یا مردم‌سالاری دینی مبتنی بر شورا، با وجود تفاوت در ماهیت نظام سیاسی و هدف و غایت آن، به لحاظ صورت (فرم) همانندی‌هایی وجود دارد.

کاربست اصل شورا در اسلام، به معنای مردمی بودن حکومت، امری است که در قرآن و سنت و سیره پیامبر^(ص) و امامان معصوم^(ع) بر آن تأکید شده است؛ اما این حکومت قرار است در

جامعه‌ای رخ بنماید که مسلمانان عهده‌دار تشکیل آن هستند. به بیان بهتر، یک حکومت اسلامی مبتنی بر شورا بر مسئولیت عموم مسلمانان در تشکیل حکومت ابتناء دارد. در قرآن کریم، شورا در چهار مفهوم آمده است:

- در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران خداوند به پیامبر اسلام (ص) دستور می‌دهد در امور با مسلمانان مشورت کند و آن را رمز پیروزی و موفقیت آن حضرت معرفی می‌کند.
- در آیه ۳۸ سوره شوری خداوند هنگام بیان اوصاف برجسته مؤمنان می‌فرماید مؤمنان کسانی هستند که دعوت پروردگارشان را اجابت می‌کنند و نماز برپا می‌دارند و کارهایشان با مشورت انجام می‌شود.
- در آیه ۲۳۳ سوره بقره خداوند می‌فرماید اگر در مورد بازداشتن کودک از شیر قصد تصمیم‌گیری دارید مشورت کنید.
- در آیه ۱۸ سوره زمر خداوند می‌فرماید پس بندگان مرا که سخن را می‌شنوند و نیکوترین را پیروی می‌کنند بشارت ده. علامه طباطبایی این آیه را با آیه «و امرهم شوری بینهم» هم‌معنا می‌شمارد؛ زیرا شورا و مشورت بهترین ابزار برای رسیدن به آرا و اندیشه‌های نیک و خوب است.

اگر به این آیه‌ها دقت کنیم متوجه چند مضمون بنیادین، که در اصل شورا نهفته است، می‌شویم و همین مضامین است که می‌تواند اهمیت این اصل را در تنظیم و قوام حکومت اسلامی روشن سازد. به هر روی آیات فوق نشان می‌دهند اصل شورا نه تنها یک امر اخلاقی که یک سازوکار اجتماعی برای تسهیل مناسبات اجتماعی و سیاسی است. بر همین مبنا، قرآن حتی در مورد بازگرفتن نوزاد از شیر به مشورت بین زن و مرد توجه نشان داده است. همچنین در آیه‌ای (شوری / ۳۸) که صفات مؤمنان را برمی‌شمارد بر ضرورت مشورت میان آن‌ها تأکید می‌کند. این بدان معناست که در جامعه اسلامی امور عمومی اموری بین‌ذهنی است که جز از طریق گفت‌وگو و مشورت امکان‌پذیر نیست. از آیه ۱۸ سوره زمر نیز می‌توان چنین استنباط کرد که بندگان به شنیدن سخن یک‌دیگر و پیروی از بهترین سخن توصیه شده‌اند. بی‌تردید، شنیدن سخن‌ها در قلمروی رخ می‌دهد که سپهر عمومی از منطق گفت‌وگو بهره برد. این بدان معناست که منطق مشورت و شورا

در اسلام منطق گفت‌وگویی است. منطق گفت‌وگویی با منطق دیالکتیکی متفاوت است. در منطق دیالکتیکی، که برخی از نواندیشان دینی به آن عنایت داشته‌اند، نتیجه با حذف یکی از دو طرف معادله و به نفع یکی صورت می‌گیرد؛ اما در منطق گفت‌وگویی و به تبع آن اصل شورا نوعی آمیزش افق‌ها یا هم‌افق شدن نظرگاه‌ها و دیدگاه‌ها و نیل به افق‌های تازه‌تر مد نظر قرار می‌گیرد.

امام علی^(ع) می‌فرماید: «لا تستبد برایک فمن استبد برایه هلك.» در رأی و نظرت استبداد نوز که هر کس استبداد رأی به خرج دهد هلاک می‌شود. یا در جایی دیگر می‌فرمایند: «من شاوَر الرجال شارکهم فی عقولهم.» هر کس با مردم مشورت می‌کند در خردشان سهیم شده است. چنان که از بیان اخیر امام^(ع) مستفاد می‌شود، اصل شورا در معنای مشارکت در خرد دیگران و پیروی از منطق گفت‌وگوست.

تفاوت دیگر روش شورا در نظام اسلامی با نظام دموکراسی غربی در این است که تنها در مواردی امکان تصمیم‌گیری وجود دارد که نص صریحی وجود نداشته باشد. از این رو امکان کنار گذاشتن احکام شرعی، آن‌گونه که در فرایند عرفی‌سازی دین در دموکراسی‌های مشورتی غربی رخ می‌دهد، در نظام شورایی اسلام وجود ندارد (غلام‌جمشیدی ۱۳۸۸).

تکالیف و وظایف شوراها در قانون اساسی

با مرور کلی قانون اساسی و اصول مربوط به شورا، بخشی از تکالیف شورا در قانون اساسی، که از اصول ششم^۱ و هفتم^۲ و فصل هفتم قانون اساسی (اصول صدم تا یکصد و ششم قانون اساسی)^۳ مستفاد می‌شود، به قرار زیر است:

۱. در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود از راه انتخابات: انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها، و نظایر این‌ها یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.

۲. طبق دستور قرآن کریم «و امرهم شوری بینهم» و «شاوَرهم فی الامر» شوراها- مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا، و نظایر این‌ها- از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند.

۳. اصل یکصدم: برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی، و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان، یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان، یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل

- شوراهای اسلامی یکی از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند.
- شوراهای در تصمیم‌سازی در سطح محلی تا ملی نقش دارند.
- شوراهای در نظارت بر اداره امور محلی (مدیریت شهری و محلی) نقش دارند.
- شوراهای در کمک به پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی، و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی ایفای نقش می‌کنند.
- شوراهای به منزله ساختاری وسیع و توزیع‌شده در تأمین قسط و عدالت اسلامی و جلوگیری از تبعیض نقش دارند.
- شوراهای به منزله نهادی گسترده از پایین‌ترین سطح جامعه تا سطوح کلان‌شهرها می‌توانند با جلب همکاری مردم در برنامه‌های عمرانی و رفاهی ایفای نقش کنند.

انتخاب می‌کنند. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراهای مذکور و سلسله‌مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و یکم: به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه‌های عمرانی و رفاهی استان‌ها و نظارت بر اجرای هماهنگ آنها شورای عالی استان‌ها مرکب از نمایندگان شوراهای استان‌ها تشکیل می‌شود. نحوه تشکیل و وظایف این شورا را قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و دوم: شورای عالی استان‌ها حق دارد در حدود وظایف خود طرح‌هایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. این طرح‌ها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد.

اصل یکصد و سوم: استانداران، فرمانداران، بخشداران، و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌شوند در حدود اختیارات شوراهای ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند.

اصل یکصد و چهارم: به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی، و کشاورزی شوراهایی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران و در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی، و مانند این‌ها شوراهایی مرکب از نمایندگان اعضای این واحدها تشکیل می‌شود. چگونگی تشکیل این شوراهای و حدود وظایف و اختیارات آنها را قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و پنجم: تصمیمات شوراهای نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد.

اصل یکصد و ششم: انحلال شوراهای جز در صورت انحراف از وظایف قانونی ممکن نیست. مرجع تشخیص انحراف و ترتیب انحلال شوراهای و طرز تشکیل مجدد آنها را قانون معین می‌کند. شورا در صورت اعتراض به انحلال حق دارد به دادگاه صالح شکایت کند و دادگاه موظف است خارج از نوبت به آن رسیدگی کند.

ملاحظه می‌شود که شوراهای تقریباً در همه موارد و اموری که به نحوی با مدیریت مردم در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، رفاهی، عمرانی، و ... مرتبط است و به طور کلی در فضای ارائه خدمات عمومی، از خدمات خرد تا خدمات کلان، که یکی از وظایف حاکمیت در قبال مردم است، نقش بی‌بدیل دارد.

جایگاه شوراهای در امر آمایش سرزمین

در حال حاضر در نظام حقوقی کشور ایران شوراهای در شش رده تشکیل می‌شوند. این شش رده شامل شورای اسلامی روستا، بخش، شهر، شهرستان، استان، و شورای عالی استان‌ها است (اشتریان و کریمی‌فرد ۱۳۹۵: ۹۶). این شوراهای اسلامی به مثابه نهاد مشارکتی و مردمی در کشور، که در واقع حلقه اتصال میان مردم و ارگان‌ها و دست‌اندرکاران اجرایی دولت است، می‌توانند نقشی مهم در فرایند توسعه سیاسی در امر آمایش سرزمین داشته باشند. در همین زمینه یکی از مهم‌ترین کارکردهای شوراهای اسلامی برنامه‌ریزی توسعه بر اساس نیازها و خواسته‌های محلی و منطقه‌ای است (رضوانی و احمدی ۱۳۸۸: ۳۶).

مهم‌ترین سطح نقش‌آفرینی شوراهای در نظام تصمیم‌گیری آمایش سرزمین در کشور را می‌توان در شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان برشمرد که به منظور هماهنگی و تصمیم‌گیری در امور برنامه‌ریزی، توسعه استان‌ها، نظارت بر آن‌ها، هدایت و تصویب طرح‌ها در چارچوب برنامه‌ها، و سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلان در همه استان‌های کشور تشکیل می‌شود و رئیس شورای اسلامی استان یکی از اعضای این نهاد است (تصویب‌نامه هیئت وزیران ۱۳۹۸). اما به طور کلی جایگاه شوراهای اسلامی در نظام مدیریت و سیاست‌گذاری برنامه‌های آمایش سرزمین جایگاهی شایسته نیست. مسئله نظام مدیریت و سیاست‌گذاری برنامه‌های آمایش سرزمین نیز از برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور به صورت جدی دنبال شد؛ طوری که پس از این برنامه «شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان‌ها» نهاد متولی در این حوزه شناخته شد. ساختار این شورا طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۸ در چهار دوره تغییر کرد تا اینکه در قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰، به منظور استقرار نظام راهبری توسعه سرزمین و نظارت بر اجرای آن، «شورای عالی آمایش سرزمین» به منزله نهاد فرادست در نظام سیاست‌گذاری برنامه‌های آمایشی

کشور با ترکیب اعضای رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور و وزیران کشور، اطلاعات، جهاد کشاورزی، امور اقتصادی و دارایی، راه و شهرسازی، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست و سه نفر صاحب نظر شاغل در دستگاه‌های اجرایی به انتخاب رئیس جمهور تشکیل شد.

حال اگر حضور اعضای یادشده یکی از تجلیات رویکرد مشارکتی در برنامه‌ریزی در نظر گرفته شود، جای خالی نهاد شوراهای، به عنوان نهاد مبتنی بر مشارکت مردمی، در اعضای این شورا خالی است. از سوی دیگر با در نظر گرفتن مقیاس استانی تهیه طرح‌های آمایش استانی به نظر می‌رسد حضور نماینده شوراهای کشور، که نماینده‌ای مطلع از وضعیت جامعه شورایی کشور و بدنه تدوین قانون در شهرها و روستاهای کشور است، می‌تواند این ضعف را بهبود بخشد.

نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که شوراهای باید هم‌سو با تحقق آمایش سرزمین به صورت شبکه‌ای و هماهنگ تعریف شوند که نگاه جزءنگرانه بر آن حاکم نباشد. نگرستن به مسئله تمرکززدایی فقط بخشی از کارکرد شوراهای محسوب می‌شود؛ درحالی که وقتی شوراهای به صورت شبکه‌ای عمل نکنند و هر یک به صورت جزیره‌ای فعالیت کند شاهد سیل جمعیت به سوی شهرهای اصلی و کلان‌شهرها خواهیم بود که پیامدهای سوء بسیار به بار خواهد آورد و با آمایش سرزمین منافات خواهد داشت.

چارچوب نظری و مدل تحلیلی

جدای از داشتن قلمرو، حاکمیت، حکومت، و جمعیت (مردم) برای هر کشوری وجود ساختاری کلی به نام «نظام سیاسی» امری محتوم است که نشان‌دهنده محتوا، شکل، و ساخت قدرت سیاسی و نهادهای دولتی و همه نهادهای عمومی مثل پارلمان، احزاب، و ... است. در هر نظام سیاسی، علاوه بر وجه «ساختاری» که در مشروعیت و مقبولیت و اقتدار و کارآمدی نقش دارد وجه «کارکردی» و نهادهایی که بر کارکرد نظام در عرصه‌های مختلف مؤثر خواهند بود نیز از اهمیت برجسته‌ای در تقویت و قوام بخشی درونی نظام سیاسی برخوردار است. در نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی نیز اگر ساختارها، قوا، ارکان، نهادهای اجرایی، و دستگاه‌ها در هر کدام از بخش‌ها پاسخگوی کارکرد مد نظر نظام باشند باعث افزایش قدرت نظام و استحکام ساخت

درونی نظام می‌شوند و برعکس اگر کارویژه‌های نظام در عرصه‌های مختلف توسط نهادهای کارگزار و ساختارها جامه عمل نپوشند و به عبارت دیگر کارکرد نهادها به سمتی برود که اجزای نظام سیاسی را دچار اختلال کارکردی کند آثار منفی بر ساخت درونی نظام می‌گذارد. بدیهی است نادیده گرفتن کارکردهای منفی و توسعه و استمرار آن همراه با عوامل آسیب‌زای درونی و تهدیدهای بیرونی علیه قدرت و اقتدار نظام می‌تواند نظام را با بحران‌های متعدد از جمله بحران توزیع، مشارکت، نفوذ، هویت، و مشروعیت روبه‌رو سازد.

در این رابطه می‌توان به نظریات لوئیس پای^۱ نیز اشاره کرد که البته در رابطه با بحران‌های ناشی از توسعه به تشریح و دسته‌بندی بحران‌ها به شرح زیر پرداخته است:

بحران هویت

یعنی در درجه نخست فرد احساس کند که به ملتی واحد و کنوری واحد تعلق دارد به میزانی که این حس تقویت می‌شود، سببست در آن جامعه توسعه می‌یابد. از سوی دیگر، نظام‌های توسعه‌یافته هم این حس را در افراد تقویت می‌کنند که ما می‌توانیم به ملت و کشور خود تعلق خاطر داشته باشیم، بدون اینکه قصد نفی و طرد دیگران را داشته باشیم.

بحران مشروعیت

مشروعیت به این معناست که اعتبار و حوزه قدرت یک دولت، به عنوان مهم‌ترین رکن ساخت سیاسی، از کجا ناشی می‌شود؟ کاربردی، یا قانونی است؟ همچنین حوزه اختیارات حکومت نیز مورد بحث است که باید تفکیک و مشخص شود. مثلاً چه کسی می‌تواند رئیس دانشگاه را تعیین کند؟ وزیر تحصیلات عالی، استادان دانشگاه یا هر کس که زورش بیشتر بود؟ از سوی دیگر، محدوده اختیارات او تا چه اندازه است؟ مثلاً آیا می‌تواند در لباس پوشیدن و نوع تفریحات و سرگرمی‌های دانشجویان نیز دخالت کند؟

بحران نفوذ

نفوذ با قدرت متفاوت است. چه بسیار آدم‌هایی که قدرت فراوان دارند، ولی نفوذ اندک. ممکن است رئیس یک دانشگاه مشروعیت داشته باشد، ولی نفوذ نه. حتی بر دستیاران خودش هم نفوذ چندانی نداشته باشد. هنگامی که بحران نفوذ عمیق می‌شود، نفوذ معنوی و فکری و اخلاقی و اجرایی از میان می‌رود. همچنین می‌توان گفت بحران نفوذ به معنای رواج نظام مدیریت اقطاعی نیز هست که سیستم اداره پارچه‌پارچه می‌شود و هر کس هر گونه که دلش خواست در حوزه کاری خودش عمل می‌کند و مرکز نفوذی بر محیط و محلات ندارد.

بحران مشارکت و یگانگی

میزان وفایقی است که مردم میان خود و دولت حس می‌کنند. اجزای مختلف دولت و حکومت میان خودشان به چه میزان وفایقی و یکپارچگی دارند؟ آیا نظام در اصل نظام فئودالی یا اقطاعی یا نیول‌داری است که هر کس در هر منطقه هر چه به دست آورد ساز خودش را بزند؟ نمی‌تواند پیش از گذشتن از مرحله قانونیت و پیش از قول وفایقی و همدلی مردم با یکدیگر و با دولت از مقولاتی چون فدرالیسم صحبت کرد. در یک نظام فاقد وفایقی هر کس هر جا قدرت دارد بر حسب منافع و فهم و درک خودش عمل می‌کند بنابراین، منابع ملی به درستی توزیع نمی‌شود و در یک کلمه «منافع ملی» تأمین نمی‌شود.

بحران توزیع

طی روند نوسازی شماری به ثروت‌های هنگفت می‌رسند در حالی که گروهی دیگر مواجه با فقر و تنگدستی می‌شوند. این بحران در غرب به طور اخص پس از سال ۱۹۲۹ مطرح شد و نظام‌های غربی با تعمیم و گسترش بیمه‌های اجتماعی، اصلاح قوانین کار، اصلاح دستمزدها، و غیره سعی کردند بر بحران توزیع ثروت در جامعه غلبه کنند و وارد مرحله دولت رفاه شدند.

شکل ۱. بحران‌های ناشی از توسعه (پای و همکاران ۱۳۸۰: ۱۵۷-۱۶۹)

توجه به «خواسته‌های مردم» و «داشته‌ها» و مدیریت و تدبیر این دو مقوله نیز بر اساس نظام سیاسی جزء لاینفک نظام سیاسی است و ظرفیت هر نظام نیز برای پاسخگویی به خواسته‌ها متفاوت است. در این میان هر نظام سیاسی که از نهاد گسترده‌تر و بیشتری برای ایفای نقش‌های گوناگون در قالب همراهی و مشارکت مردم با دولت برخوردار باشد به همان نسبت به توسعه و تحقق اهداف و در نهایت افزایش و استحکام ساخت درونی در ابعاد گسترده توان‌تر می‌شود. امروزه شوراهای یکی از پایه‌ای‌ترین الگوهای مشارکت مردم در امور کشورند. حضور مردم در انتخابات محلی شوراهای شهر و روستا بسترهای مشارکت مدنی را تقویت می‌کند و در نهایت استحکام ساخت درونی نظام صورت عملی به خود می‌گیرد.

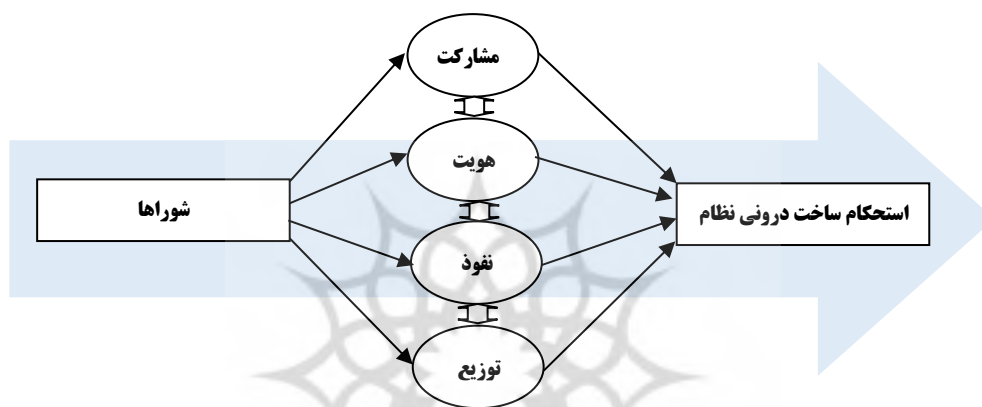
آنچه در پیشینه توسعه پایدار یک سرزمین مطرح شده و مورد اجماع اغلب متخصصان و پژوهشگران است مشارکت عمومی و حضور نهادها و سازمان‌های محلی به منظور تدوین و اجرای راهبردها و سیاست‌های توسعه سرزمینی است (برقی و همکاران ۱۳۹۲: ۱۲۱) و شوراهای به منزله یکی از نهادهای محلی مهم می‌توانند مشارکت نهادینه‌شده مردم را تحقق بخشند (John-Mary 2003: 10).

آنچه به شکل واقعی باعث تقویت انسجام اجتماعی و در نهایت سرمایه اجتماعی می‌شود محیطی است که در آن ارتباط مردم با نهاد حاکمیت تعریف و تقویت شده باشد و مردم تعلق خاطر درونی به نظام سیاسی پیدا کرده باشند و همبستگی هویتی و مبنایی با نهاد حاکمیت داشته باشند. به عبارت دیگر، در درون این ظرف ارتباطی مظلومی به نام «اعتماد» جریان داشته باشد. در چنین روابطی، علاوه بر اینکه با انجام گرفتن امور به دست مردم کارآمدی نظام در عرصه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی حاصل می‌شود، استحکام ساخت درونی نظام که به نحوی نمایانگر اقتدار و قدرت نظام است نیز فراهم می‌آید. بر اساس چنین ضرورتی چارچوب و الگوی نظری این پژوهش به شرح زیر تدوین می‌شود؛ به صورتی که می‌توان شوراهای را نهادی برآمده از رأی مردم و الگوی پارلمان محلی در نظام مردم‌سالاری دینی معرفی کرد که می‌تواند حداقل از طریق وجوه چهارگانه زیر در ساخت درونی نظام نقش بی‌بدیل داشته باشند:

- تحکیم و تقویت انسجام ساخت درونی از طریق هویت‌بخشی به نقش افراد؛

- تقویت نفوذ نظام اسلامی در سطوح مختلف مردم و جامعه؛
- تحقق مشارکت حداکثری و نقش مردم در حاکمیت؛
- توزیع عادلانه منابع بر اساس داشته‌ها و خواسته‌های بومی و ملی.

بر مبنای مسئله پژوهش و مبانی نظری مورد بررسی، مدل مفهومی مقاله در قالب شکل ۲ عرضه می‌شود.



شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش

نکته‌ای که ضروری است تشریح شود موضوع مشروعیت است که در مدل ارائه‌شده درج نشده است و این امر به ماهیت مشروعیت مربوط است. در بررسی نظریه مشروعیت در اسلام ابتدا باید منشأ مشروعیت و منبع شناخت آن را تفکیک کرد. منشأ مشروعیت همان تکیه‌گاه اصلی و خاستگاه مشروعیت است. مراد از منبع مشروعیت در اینجا ادله و منابع کشف خاستگاه مشروعیت در اسلام است؛ مانند کتاب و سنت. در اسلام منشأ ذاتی مشروعیت تنها خداوند است. زیرا آفریدگار جهان و انسان، مالک همه هستی، تنها قدرت مستقل تأثیرگذار و اداره‌کننده (مدبر) جهان، و پروردگار عالم و آدم است. در اسلام حکومت و حاکمیت سیاسی نیز، که نوعی تصرف در امور مخلوقات است، از شئون ربوبیت شمرده می‌شود و توحید در ربوبیت الهی، در نظام تکوین و نظام تشریح، هیچ مبدأ و منشأ دیگری را در عرض خداوند برنمی‌تابد. قرآن مجید می‌فرماید: «ان الحكم الا لله.» (انعام / ۵۷؛ یوسف / ۴۰ و

۶۷؛ حاکمیت نیست مگر از آن خدا. و «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم راکعون.» (مائده / ۵۵)؛ همانا ولی و سرپرست شما خداوند است و فرستاده او و مؤمنان، همان کسانی که نماز به پا می‌دارند و در حال رکوع صدقه می‌پردازند. و «ام اتخذوا من دون الله اولیاء فالله هو الولی.» (شوری / ۹)؛ آیا برای خود سرپرستانی جز خدا گرفته‌اند؟ همانا تنها خداوند صاحب ولایت است.

پس هیچ‌کس از حق حاکمیت و تصرف در شئون اجتماعی مردم برخوردار نیست، مگر خداوند یا آن که به دلیل معتبر شرعی منصوب یا مأذون بودنش از سوی خداوند ثابت شده باشد. از آنجا که شورا یک نهاد اجتماعی است، نمی‌توان درباره آن به مثابه یک اهرم مشروعیت‌بخش صحبت کرد و در رابطه با ساخت درونی نظام آن را مورد توجه قرار داد. زیرا بر اساس آنچه آمد مشروعیت حکومت اسلامی از سوی خداوند و الهی است.

روش تحقیق

این مقاله از نظر هدف در دسته تحقیقات کاربردی و توسعه‌ای قرار داد که در آن با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی نقش شوراهای در استحکام درونی نظام پرداخته شده است. داده‌های مورد نیاز این مقاله بر اساس مطالعات اسنادی- کتابخانه‌ای و نیز روش پیمایشی در قالب پرسشنامه گردآوری شد. بر اساس موضوع مقاله و نیز مسئله مورد بررسی، شوراهای به عنوان متغیر مستقل و استحکام ساخت درونی به عنوان یک متغیر وابسته تعریف شد. در روش پیمایشی سعی شد با تعیین گروه سی نفره خبرگان عوامل و متغیرهای کلیدی مندرج در مدل مفهومی بررسی شود و با بهره‌گیری از نظر خبرگان و نمره‌های استخراج‌شده همبستگی و نیز رتبه‌بندی متغیرهای کلیدی استحکام ساخت درونی نظام و شوراهای تعیین شود. برای تعیین همبستگی از تکنیک پیرسون بر اساس نوع مقیاس متغیرهایی که از نوع نسبی است استفاده شد و برای رتبه‌بندی از تکنیک آنتروپی^۱ بهره گرفته شد. فرایند کار در تکنیک آنتروپی به قرار زیر است:

$$E \approx s\{P_1, P_2, \dots, P_n\} = -k \sum_{i=1}^n [P_i \cdot \text{Lnp}_i] \quad (1)$$

به گونه‌ای که K یک ثابت مثبت است.

سپس، مقدار مشخص P به ازای هر I و Z با استفاده از رابطه ۲ محاسبه شد:

$$P_{ij} = \frac{r_{ij}}{\sum_{i=1}^m r_{ij}}; \forall i, j \quad (2)$$

و برای E_j مجموعه P_{ij} مطابق رابطه ۳ داریم:

$$E_j = -k \sum_{i=1}^m [P_{ij} \cdot \text{Lnp}_{ij}]; \forall j \quad (3)$$

به گونه‌ای که:

$$k = \frac{1}{\text{Lnm}} \quad (4)$$

پس از آن درجه انحراف اطلاعات ایجاد می‌شود که با D_j به ازای شاخص لام با رابطه ۵ محاسبه می‌شود:

$$d_j = 1 - E_j; \forall j \quad (5)$$

برای محاسبه اوزان W_j از شاخص‌های موجود نهایتاً از رابطه ۶ استفاده می‌شود (به ازای همه‌ی‌ها):

$$W_i = \frac{d_i}{\sum_{j=1}^n d_i}; \forall j \quad (6)$$

تجزیه و تحلیل

مشارکت و ساخت درونی نظام

تضمین سلامتی هر جامعه در گرو حساسیت عناصر اجتماعی به آن است. هر چه مردم به سرنوشت جامعه خود حساس‌تر باشند برای حفظ و پایداری آن بیشتر تلاش می‌کنند. برخورداری

از حمایت مردم حق طلب و عدل‌گرا یکی از سرمایه‌های ارزنده هر حکومت است که به بقای بلندمدت خود علاقه‌مند است (پورعزت ۱۳۸۲: ۳۱۱). به طور کلی در دنیای امروز مشارکت یکی از راه‌های رسیدن به پیشرفت و توسعه شناخته شده است (نظم‌فر و همکاران ۱۳۹۷: ۲۹).

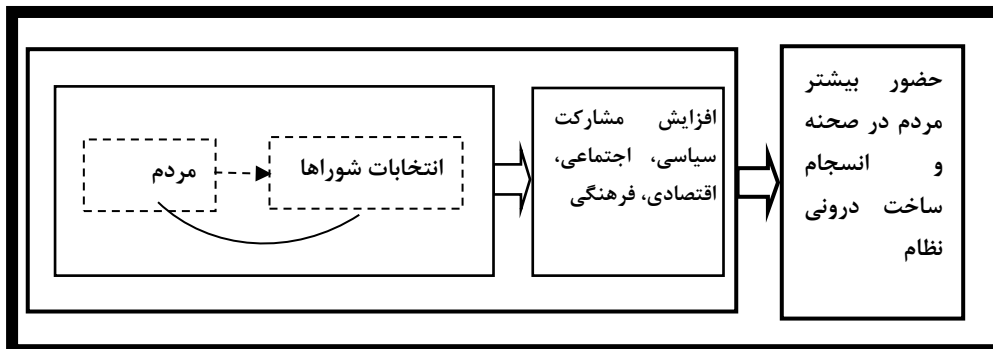
یکی از مهم‌ترین جنبه‌های حساسیت به سرنوشت موضوع انتخابات است که هم حق ملت و هم وظیفه ملی است. نظام جمهوری اسلامی نظام‌های انتصابی قدرت‌ها را نسخ و انتخاب مردم در مدیریت کشور را نهادینه کرد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به مثابه میثاق ملی و هویتی ایران در اصول متعدد بر مشارکت مردمی و حق تعیین سرنوشت توسط مردم صحه گذاشت؛ از آن جمله می‌توان به اصول سوم، ششم، هفتم، پنجاه و ششم، پنجاه و نهم، شصت و دوم، یکصد و یکصد و هفتم، و یکصد و چهاردهم اشاره کرد. وجود اصول متعدد در قانون اساسی در ارتباط با ساختار و چگونگی دخالت مردم در اتخاذ تصمیمات و خط‌مشی‌ها و انتخاب اشخاص عالی کشور مردمی بودن نظام و مشارکت مستقیم مردم در تعیین سرنوشت اجتماعی‌شان را نشان می‌دهد (شورای نگهبان ۱۳۸۶).

در عین حال، بر اساس سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در بخش مشارکت اجتماعی، مشارکت اجتماعی در نظام جمهوری اسلامی ایران رکنی اساسی است برای اداره امور کشور و مبتنی است بر بینش اسلامی و ویژگی‌های خاص جامعه ایرانی با هدف تداوم انقلاب اسلامی و توسعه همه‌جانبه، تعالی و شکوفایی استعداد‌های انسانی، تقویت پویایی و نشاط اجتماعی، ارتقای اعتماد عمومی و مقبولیت نظام سیاسی، و استقرار نظم و آرامش و امنیت و انسجام اجتماعی.

بر اساس آنچه آمد مشارکت یکی از اصول اصلی در تداوم و انسجام ساخت درونی نظام است. در این زمینه انتخابات شوراها به منزله نمود یک نظام مردم‌سالار از اهمیت بالایی برخوردار است. یکی از سطوح و عرصه‌های مهم مشارکت سیاسی شرکت مردم یک جامعه در انتخابات است. کندوکاو در پیشینه موجود درباره مشارکت سیاسی این نکته را روشن می‌سازد که با وجود راه‌های گوناگون مشارکت و مداخله در سیاست پژوهشگران به «انتخابات و مشارکت انتخاباتی» توجه خاص کرده‌اند. اهمیت مشارکت انتخاباتی سبب شده محور مشارکت سیاسی غالباً بر

مشارکت انتخاباتی بچرخد. دلیل واضح این موضوع را هم می‌توان در اهمیت انتخابات در جامعه دانست؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت زندگی سیاسی شهروندان در دنیای نوین تقریباً در انتخابات خلاصه می‌شود.

در تبیین مشارکت عمومی مردم و نیز حضور مردم در انتخابات به‌ویژه انتخابات شوراهای موارد متعددی قابل ذکر است که مهم‌ترین کارکرد ویژه انتخابات و مشارکت سیاسی مردم خنثی‌سازی توطئه‌ها و تهدیدات دشمنان است که در عین حال موجب افزایش اقتدار نظام و امنیت ملی کشور می‌شود و دارای پیامدهای مثبت منطقه‌ای و بین‌المللی برای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. در عین حال، مشارکت مردمی در انتخابات شوراهای به ایجاد و بازنمایی مشروعیت سیاسی منجر می‌شود و بر وسعت و کیفیت مشارکت مردم می‌افزاید. انتخابات و آرای عمومی برای انتخابات کارگزاران و حل مشارکت کشور مهم‌ترین عامل مشروعیت حاکمیت است. بنابراین، توسعه فرهنگ مشارکت سیاسی و حداکثری مردم در حکومت مردم‌سالاری دینی امری ضروری است. این واقعیت علاوه بر ایجاد انگیزه، اثبات کارآمدی نظام، یا تبیین شرایط داخلی و خارجی نیازمند فرهنگ‌سازی و درونی شدن مشارکت سیاسی در جامعه جهت ارتقای روحیه مشارکت به طرق مختلف، از جمله شوراهای، است. نکته مهم قابل ذکر این است که نقش شوراهای نه تنها در حضور و مشارکت سیاسی در انتخابات است بلکه مردم با حضور در انتخاب اعضای شوراهای در خردترین سطح از سطوح مشارکت رأی و نظر خود را در فرایند امور مؤثر می‌دانند و این مهم به واقع به حضور و مشارکت مردمی در سایر امور اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و ... منجر می‌شود. این موضوع یکی از مؤثرترین مکانیسم‌ها در انسجام ساخت درونی نظام محسوب می‌شود. شکل ۳ ارتباط مشارکت سیاسی و انسجام ساخت درونی نظام را به تصویر می‌کشد.



شکل ۳. مشارکت مردم در انتخابات شوراهای و تأثیر آن بر ساخت درونی نظام

هویت و ساخت درونی نظام

هویت^۱ به مفهوم احساس تمایز و تداوم و استقلال شخصی داشتن است یا اینکه فرد احساس کند همان است که دیگران نیستند. این مفهوم بر خودآگاهی در چارچوب عضویت یک فرد در گروه‌های اجتماعی مختلف دلالت می‌کند. به تعبیر مانوئل کاستلز «هویت فرایند ساخته شدن معناست» (کاستلز ۱۳۸۰: ۲۲).

جهانی شدن با ایجاد دگرگونی در ساخت‌های اجتماعی جوامع نوعی بحران هویت با خود به ارمغان آورده و در بسیاری از جوامع احساس زایل شدن هویت‌های فرهنگی، قومی، دینی، ملی به وجود آمده است (سجادی ۱۳۸۱: ۲۲). از همین رو رهبر معظم انقلاب اسلامی به تشریح هویت پرداخته و آن را از ضروریات قدرت نظام برشمرده است. از دیدگاه مقام معظم رهبری «احساس هویت و عزت اسلامی که امروز به برکت پیروزی انقلاب اسلامی در جهان اسلام نمودار شده است یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت ملت ایران است که باید در مناسبات بین‌المللی حتماً به آن توجه شود.» (امام خامنه‌ای ۱۳۸۴).

بدون شک هویت محصول اعتمادبه‌نفس و خودباوری است؛ چنان‌که از دیدگاه رهبری همه پیشرفت‌های ما در ابعاد داخلی و ملی - نظیر پیشرفت‌های علمی، مانند فناوری هسته‌ای - از نتایج و آثار اعتمادبه‌نفس ملی است. هرچند این نتایج به عرصه علمی محدود نمی‌شود و تحقیر قدرت‌های

زورگو و قلدر دنیا، گسترش عزت اسلامی ملت ایران در جهان، توجه به قدرت مذهب در بسیج انسان‌ها، زنده کردن خلأ نیاز به معنویت در جهان، و مطرح شدن ایران به مثابه الگویی برای همه ملت‌ها را نیز می‌توان از آثار اعتمادبه‌نفس ملی ایرانیان در عرصه‌های جهانی و بین‌المللی دانست.

از منظر رهبر معظم انقلاب «خودفراموشی»، به معنی فراموش کردن هویت خود، امری خطرناک است که وجود آن در گفتمان سیاسی یک کشور به ذلت و خواری مردم آن کشور می‌انجامد. اگر «قوم و ملتی هویت و تاریخ و فرهنگ و زبان خود را فراموش کنند، نتیجه آن ذلت و بدبختی این قوم خواهد بود.» (امام خامنه‌ای ۱۳۸۰). اهمیت «هویت جمعی» به قدری است که «با برخورداری از آن هر کشور می‌تواند از همه امکانات خود برای پیشرفت و موفقیت استفاده کند. اگر این احساس هویت جمعی وجود نداشته باشد، بسیاری از مشکلات برای آن مجموعه پیش می‌آید و بسیاری از موفقیت‌ها برای آن‌ها حاصل نخواهد شد؛ یعنی پاره‌ای از موفقیت‌ها در یک کشور جز با احساس هویت جمعی به دست نخواهد آمد.» (امام خامنه‌ای ۱۳۸۰).

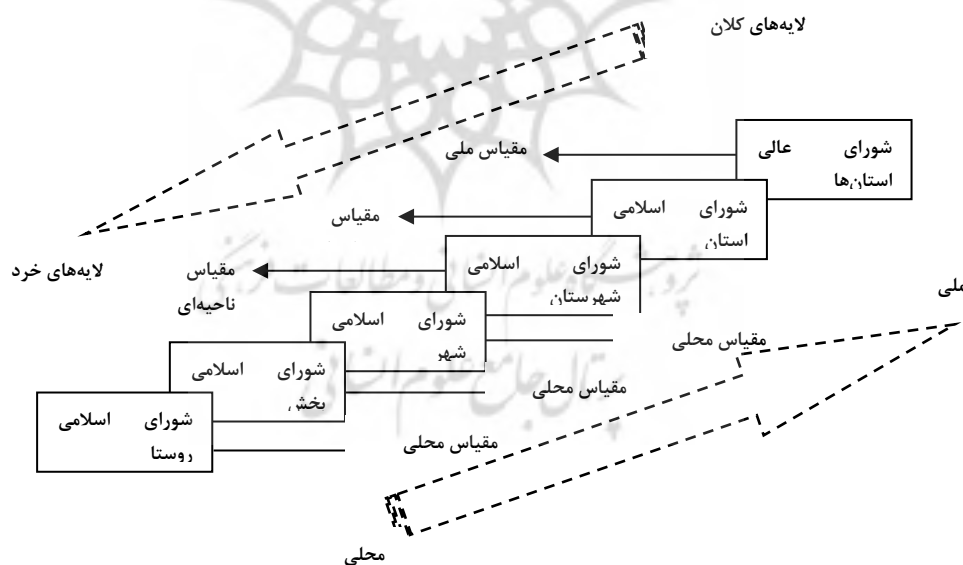
رهبر معظم انقلاب مؤلفه‌های «هویت ملی ایرانیان» را از دامنه ملیت فراتر می‌داند و هویت جمعی و ملی ملت ایران را «نظام اسلامی» معرفی می‌کند. اهمیت این هویت جمعی به این است که هم در مقیاس ایرانی دارای بازده و تأثیر است هم در مقیاس اسلامی هم در مقیاس جهانی. «یعنی چیزی که دیگر ملیت‌ها هیچ‌کدام این‌ها را ندارند؛ یک چیز فراملی است.» (امام خامنه‌ای ۱۳۸۰).

نفوذ و ساخت درونی نظام

بدون شک می‌توان یکی از کارکردهای مهم شوراهای را نفوذ در لایه‌های مختلف مدیریتی کشور، به‌ویژه در مقیاس محلی، دانست. انتخاب شوراهای توسط مردم و حضور پرشور در انتخابات شوراهای اسلامی سراسر کشور در واقع نمادی از نفوذ و حضور آرمان نظام در لایه‌های مختلف مدیریت است. نفوذ به منزله یکی از ارکان اصلی در تحکیم ساخت درونی نظام با عینیت بخشیدن به نظام برنامه‌ریزی از پایین به بالا زمینه حضور مردم در ارکان تصمیم‌گیری، از جمله شورا (بر اساس قانون اساسی)، را فراهم می‌کند. در این میان الگوی برنامه‌ریزی از پایین به بالا فرایندی است در جهت مشارکت عمومی مردم در برنامه‌ریزی و شناسایی امکانات و نیازهای جامعه، که به

مدد نهادهای موجود و گزارش امکانات و نیازها و برنامه‌ها به سطوح بالای برنامه‌ریزی برای هماهنگی و تلفیق در تهیه برنامه ملی انجام می‌شود. این مهم را می‌توان همان مفهوم درون‌زایی در بیانات مقام معظم رهبری دانست که پیشرفت جامعه اسلامی را منوط به آن می‌کند. «پیشرفت آن وقتی است که درون‌زا باشد؛ آن وقتی است که متکی به استعداد درونی یک ملت باشد. وزن و اعتبار کشورها و دولت‌ها و ملت‌ها هم وابسته به همین درون‌زایی است. اگر چنانچه از درون یک حرکتی، جهشی، رشدی به وجود آمد به یک کشور، به یک ملت، وزن می‌دهد، اعتبار می‌دهد، ارزش می‌دهد، ابهت می‌دهد. اما اگر چنانچه از درون نبود، دیگران آمدند [اعتبار به دست نمی‌آید].» (امام خامنه‌ای ۱۳۹۲).

در همین زمینه شوراهای به منزله یک محور درون‌زا نقش بی‌بدیلی در نفوذ و نیز استحکام ساخت درونی نظام بازی می‌کنند. چنان که در شکل ۴ نشان داده شده است شوراهای از مقیاس منطقه‌ای تا مقیاس محلی نقش مهمی در حضور و نفوذ نظام مقدس جمهوری اسلامی در لایه‌های خود دارند.



شکل ۴. شوراهای اسلامی و نفوذ در مقیاس‌های مختلف نظام جمهوری اسلامی

توزیع و ساخت درونی نظام

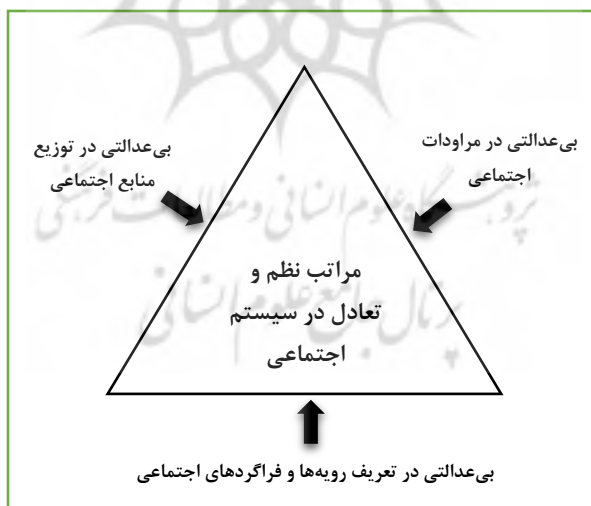
عدالت و توزیع متوازن از آرمان‌های اصلی نظام مقدس جمهوری اسلامی از بدو پیدایش تا به حال است؛ چنان که در بخش‌های مختلف می‌توان به نظرات مقام معظم رهبری اشاره کرد.

رهبر معظم انقلاب در بند ۲ - ۶ سیاست‌های کلی علم و فناوری می‌فرماید: «توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات تحصیل و تحقیق در آموزش عالی در سراسر کشور». تمرکز بخش قابل توجهی از امکانات در پایتخت کشور و متعاقب آن قدرت سیاسی تمرکز یافته در تهران منجر به دوقطبی شدن فضای ملی شده است. بخش قابل توجهی از نقاط شهری و روستایی کوچک کشور، که بخش بزرگی از سکونتگاه‌های کشور را نیز شامل می‌شود، از امکانات وسیعی محروم‌اند. در این بین می‌توان به شوراها به مثابه یکی از اهرم‌های تعدیل و چانه‌زنی جهت تعدیل در توزیع متناسب فعالیت و امکانات و به تبع آن جمعیت نگریست. به طور کلی عدالت اجتماعی یا همان توزیع از آرمان‌های مقدس اسلام و همه مصلحان است و در این میان آنچه مهم است راه رسیدن به عدالت اجتماعی است. تقسیم بالسویه امکانات در جامعه اسلامی از پایه‌های اجرای عدالت است که راه‌کارهای تحقق آن نیز در اندیشه سیاسی اسلام مورد توجه قرار گرفته است. در یک دسته‌بندی می‌توان این راهکارها را به صورت خلاصه در سه بخش بررسی کرد:

- در حوزه فرهنگ؛ نیازمند وجود وجدان کاری میان حاکمان و نهادینه کردن فرهنگ عدالت‌جویی و ارتقای این فرهنگ در سطح جامعه است.
- در حوزه سیاسی؛ نیازمند تشکیل نظام سیاسی عدالت‌طلب، استفاده از نظرات دقیق کارشناسان و متخصصان در برنامه‌ریزی و اجرا، امر به معروف و نهی از منکر، نظارت جدی بر اعمال مسئولان و نحوه توزیع امکانات، ساده‌زیستی مسئولان، شایسته‌سالاری، انتقادپذیری حاکمان و برنامه‌ریزی است.
- در حوزه اقتصادی؛ نیازمند هدایت سرمایه‌ها به سوی تولید، رسیدگی به امور مالی و برخورد جدی با خیانت‌کاران بیت‌المال، و نظارت دولت بر بازار برای تحقق عدالت است. همچنین اجرای کارآمد آموزه‌هایی چون قرض‌الحسنه، خمس و زکات، برابرسازی امکانات، و فرصت‌های شغلی لازم است (باقرزاده ۱۳۸۶).

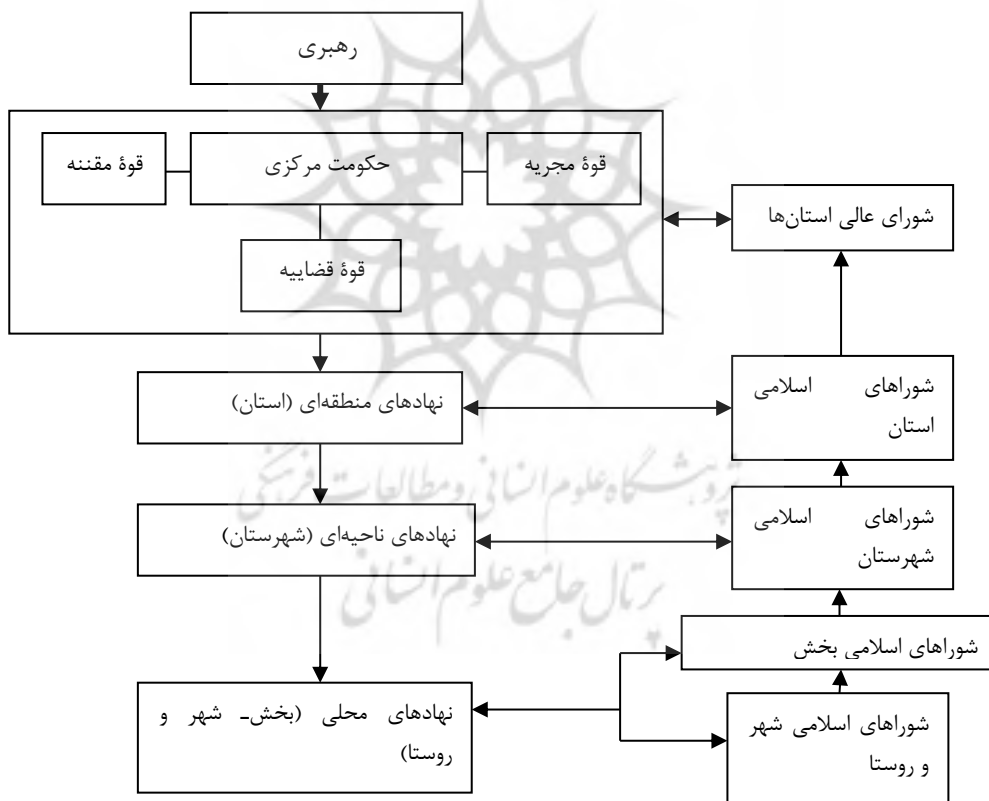
توزیع و مساوات یکی از نشانه‌های توسعه سیاسی در هر کشور است. در این میان می‌توان اجزای سه‌گانه مفهوم برابری را در قالب شهروندی ملی، یک نظم حقوقی کلیت‌گرا، و هنجارهای موفقیت دسته‌بندی کرد (پای و همکاران ۱۳۸۰: ۱۲۲ - ۱۲۳).

همان‌طور که در ادامه ملاحظه خواهد شد توسعه هر یک از جنبه‌های بی‌عدالتی، ضمن تهدید مراتب نظم و تعادل در سیستم اجتماعی، بر سایر جنبه‌های بی‌عدالتی در جامعه تأثیر فزاینده می‌گذارد. بدین ترتیب افزایش روند بی‌عدالتی به افزایش آنتروپی و تسریع روند اضمحلال سیستم اجتماعی منجر می‌شود. زیرا روندی که با فراگردهای زرممدار و زورمدار و تزویرمدار برخی از گروه‌های جامعه شکل می‌گیرد بر عدم تعادل اجتماعی می‌افزاید و عرصه‌های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بدین ترتیب ساخت توزیع قدرت در جامعه بر له منافع گروه‌های ذی‌نفع و علیه منافع اکثریت از وضعیت «توزیع گسترده و طبیعی قدرت» به حالت «توزیع محدود و جهت‌دار قدرت» تغییر شکل می‌یابد (پورعزت ۱۳۸۳: ۱۴۹). در چنین شرایطی، گروه‌های محروم جامعه دلیلی برای حمایت از وضعیت موجود نمی‌یابند و به تحمل مسائل و مشکلات موجود در مسیر حفظ آن رغبت نشان نمی‌دهند (Sterba 1999: 6).



شکل ۵. تأثیر جنبه‌های گوناگون بی‌عدالتی بر کاهش مراتب نظم و تعادل در سیستم اجتماعی (پورعزت ۱۳۸۳: ۱۴۹)

چنان که پیداست تحقق توزیع در نظام سیاسی بستر ساز مشارکت و حضور حداکثری در تصمیم سازی و تصمیم گیری است. در این میان شوراها را می توان یکی از ارکان تصمیم گیری کشور معرفی کرد که می توانند زمینه توزیع سیاسی را فراهم آورند تا در نهایت شرایط برابری و توزیع اقتصادی و اجتماعی حاصل شود. بدون شک شوراها، از آنجا که زمینه حضور و نمود خردترین ساختار تقسیمات کشور در مدیریت محلی و منطقه ای و ملی را فراهم می آورند، سامان دهنده توزیع در جامعه اسلامی هستند. در این میان شوراهای اسلامی سراسر کشور، از شوراهای روستا و شهر گرفته تا شوراهای بخش و شهرستان و استان و شورای عالی استانها، بستر تحقق حضور گروه های مختلف در بدنه مدیریتی نظام را فراهم می آورند.



شکل ۶. شوراها و توزیع قدرت در کشور

رابطه میان عوامل استحکام ساخت درونی نظام و نقش شوراهای اسلامی

برای تجزیه و تحلیل متغیرهای چهارگانه استحکام ساخت درونی نظام و شوراهای نتایج به دست آمده از ضریب همبستگی پیرسون همراه میانگین و انحراف معیار متغیرها به صورت جداگانه ارائه می شود. در واقع می توان گفت از ضریب پیرسون برای نشان دادن درجه همبستگی عوامل در ارتباط با استحکام ساخت درونی نظام و شوراهای استفاده شده است. نتایج جدول ۱ نشان دهنده همبستگی بالای عوامل استخراج شده با استحکام ساخت درونی نظام است. نتایج نشان می دهد متغیر مشارکت با ضریب ۰/۷۱۲ بیشترین میزان همبستگی را با استحکام ساخت درونی نظام و متغیر هویت با ضریب ۰/۳۰۱ کمترین میزان همبستگی را با استحکام ساخت درونی نظام دارد.

جدول ۱. ضریب همبستگی پیرسون

متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معناداری
مشارکت	۰/۷۱۲	۰/۰۰۰
توزیع	۰/۶۱۱	۰/۰۰۰
هویت	۰/۳۰۱	۰/۰۰۰
نفوذ	۰/۵۴۶	۰/۰۰۰

رتبه بندی عوامل استحکام ساخت درونی نظام و وزن هر یک

در مرحله بعد به منظور تعیین وزن و اهمیت هر یک از متغیرها در استحکام ساخت درونی نظام و در نهایت به دست آوردن رتبه هر یک از معیارهای استحکام ساخت درونی نظام از تکنیک آنتروپی بهره گرفته شد. بر مبنای یافته جدول های ۲ و ۳ و ۴ می توان مشارکت را اصلی ترین معیاری دانست که شوراهای با ایفای نقش در آن به استحکام ساخت درونی نظام اسلامی کمک می کنند.

شکل ۷ وزن هر یک از متغیرها را با توجه به جدول ۴ نشان می دهد. همان طور که می توان ملاحظه کرد، دو شاخص مشارکت و توزیع به ترتیب با مقادیر ۰/۰۶۷ و ۰/۰۱۸ بیشترین وزن را دارند و شاخص هایی چون هویت و نفوذ در مراتب بعدی قرار گرفته اند. بدین ترتیب می توان نتیجه گرفت متغیر مشارکت نسبت به سایر متغیرها وزن بیشتر و رتبه بالاتری را به خود اختصاص داده است.

جدول ۲. محاسبه مقادیر Ej هر یک از متغیرها

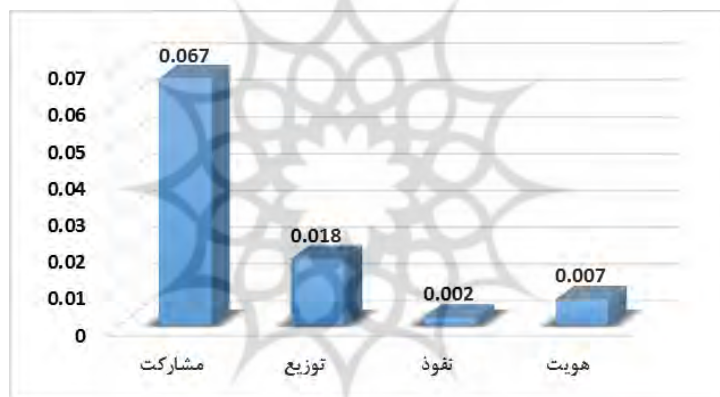
هویت	نفوذ	توزیع	مشارکت	شاخص
۰/۹۵۹	۰/۹۹۸	۰/۹۸۹	۰/۹۶۲	Ej

جدول ۳. محاسبه مقادیر Dj متغیرها

هویت	نفوذ	توزیع	مشارکت	شاخص
۰/۰۴۱	۰/۰۰۱	۰/۰۱۰	۰/۰۳۷	dj

جدول ۴. محاسبه وزن هر یک از متغیرها (W وزن شاخصها)

هویت	نفوذ	توزیع	مشارکت	شاخص
۰/۰۰۷	۰/۰۰۲	۰/۰۱۸	۰/۰۶۷	W



شکل ۷. وزن و رتبه هر یک از عوامل استحکام ساخت درونی نظام و شوراهای

نتیجه

در منظومه گفتمانی انقلاب اسلامی پیشرفت حقیقی آن است که درونزا و متکی به استعداد درونی یک ملت باشد. بنابراین، این نگرش است که به یک کشور و یک ملت وزن و اعتبار و ارزش می‌دهد. رهبر انقلاب اسلامی در سال جاری در بیش از پانزده دیدار به تبیین ضرورت اتکا به «ظرفیت‌های درونی» و تقویت «استحکام ساخت داخلی» نظام پرداخته‌اند. این مسئله ضرورت توجه موضوعی بسیار مهم را گوشزد می‌کند که یکی از روش‌های تحقق آن، توجه به ظرفیت‌های محلی یعنی شوراهای اسلامی است.

در پژوهش حاضر با تأکید بر چهار بعد اصلی قدرت و استحکام ساخت درونی نظام شامل مشارکت، توزیع، نفوذ، و هویت به تبیین و تحلیل نقش شوراهای استحضام در تحقق آن‌ها پرداخته شد. نتایج نشان داد شوراهای اسلامی سراسر کشور (شوراهای اسلامی شهر، روستا، بخش، شهرستان، استان، و شورای عالی استان‌ها) نقشی بی‌بدیل در انسجام ارکان نظام و حضور هر چه بیشتر مردم در ساختار مدیریتی نظام دارند. وجود همبستگی قوی میان متغیر مشارکت با استحکام ساخت درونی نظام، که برابر با ۰/۷۱۲ بود، همچنین نتایج حاصل از رتبه‌بندی متغیرها نشان داد این متغیر می‌تواند بر استحکام ساخت درونی نظام جمهوری اسلامی اثرگذار باشد و وجود رابطه همبستگی قوی این امر را نشان می‌دهد. در واقع شوراهای اسلامی سراسر کشور از پایین‌ترین سطح در مقیاس محلی تا بالاترین سطح در مقیاس ملی بستر مشارکت مردم را فراهم می‌آورند و در عین حال به واسطه توزیع قدرت در ارکان مختلف و لایه‌های متعدد زمینه اجرای عدالت اجتماعی و سیاسی فراهم می‌شود. قدرت شورای عالی استان در ارائه طرح و لوایح به دولت به نحوی نشان‌دهنده توزیع قدرت سیاسی در کشور است. پس می‌توان گفت زمانی که مردم رأی خود را در تصمیمات مختلف کشور از پایین‌ترین سطح تا سطوح بالا مؤثر می‌دانند به نحوی خود را بخشی از نظام و نظام را متعلق به خود به شمار می‌آورند و این رابطه دوسویه در واقع هویت ملی و فرهنگی را تقویت می‌کند.

امروزه در اقصی نقاط دنیا و در همه کشورها مردم را ثروت اصلی نظام به حساب می‌آورند و نفوذ حکومت در مردم شرط اصلی تداوم حکومت است. جدایی حکومت و مردم در اصل اصلی‌ترین تهدید است و شوراهای اسلامی کشور چنین خلأیی را پر می‌کنند. شاید از این جهت است که در نهج البلاغه نیز از عامه مردم به مثابه «ستون دین» تعبیر شده است و سفارش شده است که میل و توجه حاکم باید بیشتر متوجه آنان باشد. پس بر مبنای نتایج این پژوهش می‌توان گفت، به‌رغم برخی ضعف‌ها و تخلفاتی که در جامعه شورایی به وقوع می‌پیوندد، در صورت توجه بیشتر به این نهاد و کاهش بسترهای وقوع این تخلفات، این نهاد از منظر مشارکت دارای رابطه معنادار قوی در استحکام ساخت درونی نظام جمهوری اسلامی است و می‌تواند اثرگذاری ثانویه معناداری بر مؤلفه‌های هویت و نفوذ در استحکام ساخت درونی نظام داشته باشد.

منابع

قرآن مجید.

اشتریان، کیومرث؛ حسن کریمی فرد (۱۳۹۵). «نقد و بررسی عملکرد شوراهای اسلامی شهر در ایران»، دولت‌پژوهی، ۲(۷)، صص ۹۵ - ۱۳۲.

امام خامنه‌ای (۱۳۸۰). بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جوانان استان اصفهان.

_____ (۱۳۸۰). بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با کارگزاران نظام.

_____ (۱۳۸۴). بیانات مقام معظم رهبری در صحن جامع رضوی.

_____ (۱۳۸۸). بیانات مقام معظم رهبری در صحن جامع رضوی.

_____ (۱۳۹۲). برگرفته از بیانات رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان.

امام خمینی (ره) (۱۳۵۸). صحیفه نور، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

آیتی، عبدالمحمد (مترجم) (۱۳۷۹). نهج البلاغه (مجموعه خطبه‌ها، نامه‌ها، و کلمات قصار امام علی^(ع))، گردآورنده: سید شریف رضی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی و بنیاد نهج البلاغه.

باقرزاده، محمدرضا (۱۳۸۶). «عدالت اجتماعی و راهکارهای تحقق آن»، کیهان، سه‌شنبه، ۱۳ آذر ۱۳۸۶، صفحه «معارف».

برقی، حمید؛ یوسف قنبری؛ محمد سعیدی (۱۳۹۲). «بررسی عملکرد شوراهای اسلامی روستا و میزان مشارکت مردم در توسعه روستایی (مطالعه موردی: دهستان حسین‌آباد شهرستان نجف‌آباد)»، اقتصاد، فضا، و توسعه روستایی، ۲(۲)، صص ۱۱۹ - ۱۳۸.

پای، لوسین دبلیو؛ لئونارد بایندر؛ جیمزاس، کلن؛ وریا، سیدنی؛ مایرون، وینتر، (۱۳۸۰). بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، مترجم: غلامرضا خواجه‌سروی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

پایگاه انتخابات (۱۳۹۲). «نقش و جایگاه مردم در نظام سیاسی اسلام»، برگرفته از: <http://www.irentekhabat.com>

پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۳). «شهر عدل و دولت هوشمند»، پیام مدیریت، ش ۱۱ و ۱۲، صص ۱۴۳ - ۱۶۰.

تصویب‌نامه هیئت وزیران (۱۳۹۸). آیین‌نامه اجرایی شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان.

دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۰). «مروری بر نگاه رهبر انقلاب به قومیت‌های ایرانی،

هویت قومی جزئی از هویت ملی ما»، برگرفته از: <http://farsi.khamenei.ir>

- سجادی، عبدالقیوم (۱۳۸۱). «جهانی شدن و جنبش اسلام‌گرایی»، دین‌پژوهان، ش ۱۱، صص ۱۶ - ۲۴.
- رضوانی، محمدرضا؛ علی احمدی (۱۳۸۸). «شوراهای اسلامی روستایی، مشارکت مردمی و توسعه روستایی (مطالعه موردی: دهستان حکیم‌آباد، شهرستان زرننده، استان مرکزی)»، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱(۴)، صص ۳۵ - ۴۹.
- شورای نگهبان (۱۳۸۶). «مشارکت حداکثری در نظام جمهوری اسلامی ایران»، نوشته مهدی رضایی بجنستانی، برگرفته از: <http://www.shora-gc.ir>
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۱). حقوق اداری، تهران، سمت.
- غلام‌جمشیدی، محمدصادق (۱۳۸۸). جایگاه شورا در معارف اسلامی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، قدرت، هویت، مترجم: حسن چاوشیان، تهران، طرح نو، ج ۲.
- کرامت، فرهاد؛ حسین علی‌پور (۱۳۹۹). «مؤلفه‌های مشروعیت سیاسی از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، سیاست متعالیه، ۸ (۲۸)، صص ۲۲۴ - ۲۴۴.
- مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۷۹). «سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در بخش مشارکت اجتماعی»، مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، برگرفته از: <http://maslahat.ir>
- نظم‌فر، حسین؛ فاطمه محمدی؛ محبوبه یزدان‌پناه (۱۳۹۷). «تبیین نقش شوراهای اسلامی و میزان مشارکت مردم در توسعه روستایی (مطالعه موردی: دهستان‌های بخش کلباد شهرستان گلوگاه)»، پژوهش برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، ۸ (۲)، صص ۲۵ - ۳۸.

References

- The Holy Quran. (in Arabi)
- Ashtarian, K. & Karimifard, H. (2016). "A Critique of the Performance of Islamic City Councils in Iran", *Government Research Quarterly*, 2 (7), pp. 95-132. (in Persian)
- Ayati, A. M. (2000). *Translation of Nahj al-Balaghah* (collection of sermons, letters and short words of Imam Ali (as)), compiled by Seyyed Sharif Razi, Islamic Culture Publishing Office and Nahj al-Balagha Foundation. (in Persian)
- Bagherzadeh, M.R. (2007). "Social Justice and Strategies for Its Realization", *Kayhan Newspaper*, Tuesday, December 4, 2007, "Education" Page. (in Persian)
- Barqi, H., Ghanbari, Y., & Saeedi, M. (2013). "A Study of the Performance of Islamic Village Councils and People's Participation in Rural Development (Case Study: Hosseinabad Rural, Najafabad)", *Quarterly Journal of Space Economics and Rural Development*, 2 (2), pp. 119-138. (in Persian)

- Castells, M. (2001). *Information Age: Economy, Society and Culture, Power, Identity*, Translated by Hassan Chavoshian, Tehran, New Design Publications, Vol. 2. (in Persian)
- Election Base (2013). The role and position of the people in the political system of Islam, Retrieved from <http://www.irentekhabat.com>. (in Persian)
- Enactment of the Cabinet of Ministers (2019). Executive Regulations of the Planning and Development Council of the province. (in Persian)
- Expediency Discernment Council (2000). The general policies of the Islamic Republic of Iran in the field of social participation, approvals of the Expediency Discernment Council. taken from <http://maslahat.ir>. (in Persian).
- Gholam-Jamshidi, M.S. (2009). *The position of the council in Islamic education*, Tehran, International Publishing Company. (in Persian)
- Guardian Council (2007). Maximum Participation in the System of the Islamic Republic of Iran, by Mehdi Rezaei Bejestani, Retrieved from <http://www.shora-gc.ir>. (in Persian)
- Imam Khamenei (2001). Statements of the Supreme Leader of the Revolution in the meeting of the youth of Isfahan province. (in Persian)
- (2001). Statements of the Supreme Leader of the Revolution in the meeting of the agents of the system. (in Persian)
- (2005). Statements of the Supreme Leader in the Razavi Comprehensive Court. (in Persian)
- (2009). Statements of the Supreme Leader in the Razavi Comprehensive Court. (in Persian)
- (2013). Taken from the statements of the leadership in the meeting of the participants in the 7th National Conference of Young Elites. (in Persian)
- Imam Khomeini^(RA) (1979). *Sahifa Noor*, Ministry of Culture and Islamic Guidance Publications. (in Persian)
- John-Mary, K. (2003). "Local Governance Capacity Building for Full Range Participation: Concepts, Frameworks, and Experiences in African Countries", In 4th Global Forum on Reinventing Government, Marrakech, Morocco (pp. 10-13).
- Keramat, F. & Alipour, H. (2020). "Components of political legitimacy from the perspective of the Constitution of the Islamic Republic of Iran", *Transcendental Politics Quarterly*, 8 (28), pp. 224-244. (in Persian)
- Nazmfar, H., Mohammadi, F., & Yazdanpanah, M. (2015). "Explaining the role of Islamic councils and the level of people's participation in rural development (Case study: Kalbad district of Gulugah city)", *Spatial Planning Research Quarterly (Geography)*, 8 (2), pp. 25-38. (in Persian)
- Office for the Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Khamenei (2011). A Review of the Leader of the Revolution's View of Iranian Ethnicities Ethnic Identity, Part of our national identity, Taken from <http://farsi.khamenei.ir>. (in Persian)
- Pay, Lucien W., Binder, Leonard., Coleman, James., Lapalumbara., Verba, Sydney and Weiner, Myron (2001). *Crises and Sequences in Political Development*, translated by Gholamreza Khajeh-Sarvi, Institute for Strategic Studies Publications. (in Persian)
- Pourezat, A.A. (2004). "City of Justice and Smart Government", *Management Message Quarterly*, Nos. 11 and 12, pp. 143-160. (in Persian)

- Rezvani, M.R. & Ahmadi, A. (2009). "Rural Islamic Councils, People's Participation and Rural Development (Case Study: Hakimebad District, Zarandieh County, Markazi Province)", *Quarterly Journal of New Attitudes in Human Geography*, 1 (4), pp. 35-49. (in Persian)
- Sajjadi, A-Q. (2002). "Globalization and the Islamist movement", *Journal of Religious Scholars*, Issue 11, pp. 16-24. (in Persian)
- Sterba, J. P. (1999). *Justice, Alternative Political Perspectives*, Wads Worth.
- Tabatabai Motameni, M. (2002). *Administrative Law*, Tehran, Samat Publishing. (in Persian)

